

سیر تطور تاریخی مناظره‌های امام جواد علیه السلام

محمد رضا بارانی^۱

فاطمه معتمد لنگرودی^۲

چکیده

مناظره‌های ائمه علیهم السلام با گروه‌ها و اشخاص مختلف مذهبی، از مهم‌ترین مسائل برای درک بهتر باورهای شیعه امامیه است؛ زیرا این مناظره‌ها، به منظور شناخت درست باورهای شیعه انجام شده و این باورها، در گفتگوهای علمی با مخالفان مطرح شده است. در این میان، مناظره‌های امام جواد علیه السلام، به دلیل گستردگی فضای علمی پدیدآمده در آن دوره و پشتیبانی خلفای عباسی از برگزاری جلسه‌های مناظره میان بزرگان دین، از اهمیت بسزایی برخوردار است.

این پژوهش با بهره‌گیری از موارد مناظره‌های امام جواد علیه السلام، در پی بررسی سیر تاریخی مناظره‌های امام در منابع مختلف کلامی، تاریخی، روایی، تفسیری و دیگر منابع است. بدین‌روی به مناظره‌های نه‌گانه یاد شده در منابع توجه داشته تا مخاطب، متن، راوی مناظره، تفاوت متن مناظره، سن امام و محل مناظره را در منابع بررسی کند و سیر تطور آن‌ها را مشخص سازد. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی، دست‌آوردی داشته که بین مناظره‌های امام در منابع مختلف تفاوت خاصی وجود ندارد و این امر نشان‌دهنده فضای سیاسی حاکم بر دوره ایشان است.

واژگان کلیدی

امام جواد علیه السلام، مأمون، یحیی بن اکثم، مناظره، سیر تاریخی، معتمد.

۱. استادیار و عضو هیأت علمی گروه تاریخ دانشگاه الزهراء علیها السلام - mrb1385@gmail.com

۲. کارشناس ارشد تاریخ اسلام دانشگاه الزهراء علیها السلام - langarodi2011@gmail.com

تاریخ دریافت ۱۳۹۴/۷/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۹/۳

مقدمه

مناظره یکی از شیوه‌های پسندیده و اثربخش در تبیین و نشر معارف اسلامی است. امامان معصوم علیهم‌السلام در برابر آرا و نظریات فرقه‌های نوظهور اهل سنت و جماعت، معتزله و اهل حدیث به مناظره می‌پرداختند که مورد توجه قرآن نیز بود. از آن جا که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در حدیثی قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام را قرین هم معرفی فرمودند، به راستی آنان دنباله‌رو قرآن و مفسر حقیقی آیات آن بوده‌اند.

بی‌شک در فرهنگ و اندیشه اصیل اسلامی که امامان دنبال گسترش آن بوده‌اند، مناظره در زمینه مباحث عقیدتی چون خداشناسی، نبوت‌شناسی، امام‌شناسی و... از اهمیت خاصی برخوردار بوده و هر یک از امامان، با توجه به موقعیت زمانی و مکانی خویش، در این زمینه گام‌هایی برداشته‌اند. این موضوع در عصر امام جواد علیه‌السلام به دلیل فضای بحث و گفت‌گو میان بزرگان معتزله و اهل سنت و جماعت با دیگر جماعات به خصوص شیعه و توجه خلفای عباسی به این‌گونه بحث‌ها، شاخص بود و امام از فرصت پیش‌آمده بهره‌بردار شدند و از هر فرصتی برای اثبات عقاید برحق خویش استفاده کردند. با توجه به وجود مناظرات فراوان امام جواد علیه‌السلام در کتب روایی، تاریخی و حدیثی، این سؤال مطرح می‌شود که سیر تاریخی مناظرات آن حضرت در منابع مختلف کلامی، تاریخی، روایی، تفسیری و... به چه صورت بوده است؟ در پاسخ می‌توان گفت: امام با توجه به موقعیت زمانی و مکانی خویش، به مناظره در مقابل خلفای عباسی دست زدند تا علم و مواهب الهی بر خلق را آشکار نمایند و دیگر آن‌که این مناظرات در جهت روشن کردن عقاید راستین اسلام بوده است.

در نوشتار حاضر، علاوه بر واکاوی موضوعات مناظره، در پی شناختی نو بر سیر تاریخی مناظرات امام جواد علیه‌السلام هستیم تا با توجه به اطلاعات موجود، زمینه شناخت بهتری از مناظرات امام فراهم گردد.

در زمینه پیشینه پژوهش، اثری مستقل و علمی در زمینه مناظرات امام جواد علیه‌السلام با بزرگان دین انجام نشده و تنها درباره مناظرات امام رضا علیه‌السلام آثاری علمی و درخور توجه تدوین یافته که مقالاتی با عنوان؛ «نگاهی بر شیوه مناظره امام رضا علیه‌السلام با بزرگان ادیان»، (صادقیان، ۱۳۸۸: ۶۰-۷۶) «مناظره و ویژگی‌های مناظرات امام رضا علیه‌السلام»، (ضیغم زیدی، ۱۳۹۰: ۱۵۹-۱۹۰). «مناظرات امام رضا علیه‌السلام ویژگی‌ها و روش‌ها»، (نقی‌زاده

و داد، ۱۳۸۶: ۱۰۷-۱۲۵) «روش مناظره علمی در سیره آموزشی امامان معصوم علیهم السلام با تکیه بر مناظرات امام رضا علیه السلام» (هاشمی اردکانی و میرشاه جعفری، ش ۷) و کتابی به نام *جدال/حسین* (بازخوانی تحلیلی مناظرات امام رضا علیه السلام) (غفورفر و علیزاده، ۱۳۹۳ ش) به رشته نگارش درآمده که از این آثار نیز به عنوان الگویی در جهت به دست آوردن اصول مناظرات علمی امام جواد علیه السلام می‌توان استفاده کرد.

آثار نام برده که می‌تواند در زمینه یافتن روش کار، مفید واقع شود؛ در زمینه امام جواد علیه السلام انجام نشده و اثری علمی به رشته نگارش درنیامده است؛ به همین دلیل در این پژوهش، ضمن معرفی موضوعات مناظره، به سیر تاریخی مناظرات در کتب تاریخی، کلامی، روایی و... توجه شده و در قالب جدیدی بیان گردیده که امید است گامی در جهت شناخت مناظرات امام جواد علیه السلام برداشته شود.

در نوشتار حاضر، به منظور درک درست واژه مناظره و حدود و معیارهای آن، در کتب لغت، کتاب عظیم قرآن کریم و سپس در سخنان اهل بیت علیهم السلام تا قبل از امام جواد علیه السلام، به تبیین جایگاه مناظره پرداخته می‌شود که با آگاهی از آن‌ها، روند درک درست از این پژوهش انجام گردد و لذا به حدودی که ضروری به نظر می‌رسد، می‌پردازیم:

۱. مفهوم‌شناسی مناظره

مناظره واژه‌ای عربی و از ریشه "نظرینظر" بوده که کلماتی چون نظرا، منظرًا، منظره از آن مشتق می‌شود. ریشه کلمه به معنای دیدن با چشم است (زیبیدی، ج ۷: ۵۳۸؛ بستانی، ۹۲۰) که مراد از آن تدبر و تأمل و دقت در امور (دیدن آمیخته با تفکر) است. (قرشی، ج ۷: ۸۱). هم‌چنین دهخدا آن را به معنای «با هم نظر کردن»، یعنی فکر کردن درباره حقیقت و ماهیت یک امر (دهخدا، ج ۱۴: ۲۱۵۶۳) و هم‌چنین توجه متخصصین در اثبات نظر خود در مورد حکمی از احکام و نسبتی از نسبت‌ها، برای روشن نمودن آن چه حق و صواب باشد، اطلاق شده است. (همان) راغب اصفهانی در تعریف مفهوم مناظره می‌نویسد:

مناظره یعنی گفت‌گویی بین دو طرف به صورت رودررو و به میان آوردن هرآنچه

که به آن معتقد است، اطلاق می‌گردد. (اصفهانی، ۸۱۶)

ناگفته نماند که برای واژه مناظره، گاهی اصطلاح جدل و مجادله را به کار می‌برند

که به معنای مقابله با خصم است تا او را از رأی خود منصرف سازند. این واژه در قرآن، به معنای منازعه و مخاصمه حق علیه باطل است تا حقیقت امر روشن گردد. (قرشی، همان، ج ۲: ۲۳؛ مصطفوی، ج ۲: ۶۳) هم‌چنین در اصطلاح، علم مناظره را صنعتی نظری دانسته‌اند که انسان را به کیفیت مناظره و شرایط آن آشنا می‌سازد تا در مباحثه و الزام و غلبه بر خصم خطا نکند. (طوسی، ۸)

بی‌شک در علم منطق در قالب صنعت جدل، به بحث از آداب مناظره پرداخته شده و در تعریف آن گفته‌اند:

علمی است که انسان به یاری آن می‌تواند در حد توان خویش با استفاده از مسلمات پذیرفته شده از سوی دو طرف، برای اثبات و دفاع از مطلوب خویش تلاش نماید و دلیل اقامه کند تا جایی که قابل نقص نباشد. (مظفر، ج ۲: ۲۰۱)

یکی از شیوه‌های ارتباط کلامی با مردم برای بیان دیدگاه‌ها، اتخاذ شیوه مناظره است که انبیای الهی به آن توجه داشته و با افراد قومشان به محاجه پرداخته و سعی در اثبات عقاید صحیح داشته‌اند تا حدی که قرآن در سوره‌های مختلفی^۱ از این اقدام صریح پیامبران پرده برداشته و مناظره را روشی برای اعلان عقاید دو طرف و اثبات آرای درست اعلام کرده و در باب بهترین شیوه در گفت‌گو و جدال، از نوع جدال به احسن یاد کرده^۲ و در نقطه مقابل آن، از جدال غیر احسن^۳ نام برده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز که رهرو واقعی طریق الهی بودند، در زمان خویش با یهودیان و به ویژه مسیحیان نجران در مورد پسر خداوند نبودن حضرت عیسی علیه السلام و اثبات نبوت وی به بحث پرداختند که

۱. آیاتی که به مناظره انبیای الهی اشاره کرده‌اند عبارتند از: بقره / ۸۵۲: اشاره به محاجه حضرت ابراهیم علیه السلام با نمرد در مورد بیرون آوردن خورشید از مغرب؛ (شعراء / ۲۷ و ۳۷: محاجه حضرت ابراهیم علیه السلام با مشرکان بر عدم سود یا زیان رسانی بت‌ها؛ هود / ۲۶ - ۴۶ و شعراء / ۳۵۱ - ۶۵۱ و نمل / ۶۴ و ۷۴: محاجه حضرت صالح علیه السلام با قومش بر سرنافه؛ یس / ۷۷ - ۹۷: گفت‌گویی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با یکی از مشرکان بر سر زنده کردن مردگان از طریق استخوان‌های پوسیده‌شان؛ آل عمران / ۹۵ - ۱۶: گفت‌گویی مسیحیان نجران با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره بنده بودن حضرت عیسی علیه السلام.

۲. (ای رسول ما خلق را) به حکمت (وبرهان) و موعظه نیکو به راه خدایت دعوت کن و با بهترین طریق با اهل جدل مناظره کن. (نحل / ۵۲۱)

۳. و شما مسلمانان با اهل کتاب (یهود و نصارا و مجوس) جز به نیکوترین طریق بحث و مجادله مکنید مگر با ستم‌کاران از آنها، و (با اهل کتاب) بگویند که ما به کتاب آسمانی قرآن که بر ما نازل شده و به کتب آسمانی شما به همه ایمان آورده‌ایم و خدای ما و شما یکی است و ما تسلیم و مطیع فرمان اویمیم. (عنکبوت / ۶۴).

زمینه‌ساز ماجرای مباحله (آل عمران، ۵۹-۶۱) گردید.

امامان که ادامه دهنده طریق پیامبر(ص) بوده‌اند، همواره با برپایی جلسات علمی میان مخالفان و موافقان خویش، از آن جهت که با فهم و درک اثربخش و با هدف آگاهی‌بخشی، رد و بدل کردن اطلاعات، ایجاد نگرش مثبت در الهی بودن علم امامان و کاهش منازعات همراه بوده، همت داشته‌اند. در سیره عملی امامان شیعه، می‌توان به مناظرات مهم عصر امام باقر علیه السلام - با هشام بن عبدالملک پس از اجرای مراسم حج درباره خوراک مردم در صف محشر برای حساب و کتاب اعمال در سال ۱۰۶ ق با توجه به آیه قرآن (سوره اعراف، آیه ۵۰) باعث شد تا مخالفان حضرت نتوانند کاری از پیش برند. (طبرسی، ج ۲: ۳۲۳ و ۳۲۴) امام صادق علیه السلام نیز با زندیقان، رهبران معتزله و زیدیه مناظره داشتند تا اصول و مبانی حقیقی اسلام را بشناسانند (همان: ۳۳۱-۳۸۵) این امر تا عصر امام رضا و امام جواد علیه السلام به علت جو علمی حاکم از سوی معتزله بردستگاه خلافت عباسی و حمایت خلفا از آن، گسترش یافت؛ اما باز هم امامان علیه السلام با مدد از قرآن و سنت نبوی صلی الله علیه و آله و سلم و با استناد به دلایل عقلی و استدلالی محکم، بر مخالفان خویش پیروز شدند.

در زمان امامت امام جواد علیه السلام نیز مناظره‌ها در قالب موضوعاتی چون حکم فقهی در باب طلاق زن، صید در حرم، حلال و حرام شدن یک زن در روز در چند نوبت، فضایل دروغین ابوبکر و عمر، علایم امامت، معنای «احد» و «لایدرکه الأبصار» و هم‌چنین در صفات و اسماء الهی، مهدی و منتقم دین و مقدار بریدن دست دزد (طبرسی، همان، ج ۲: ۴۴۴-۴۴۹؛ قمی، ۱۸۲-۱۸۵؛ مفید، ج ۲: ۲۸۲-۲۸۶) انجام گرفت که با تشکیل جلسات مناظره در دربار عباسی و دعوت از علمای بزرگ ادیان و فراخواندن امام، از طرفی خلفای عباسی و از طرف دیگر امام جواد علیه السلام هر کدام اهدافی را از این مناظرات دنبال می‌کردند. خلفای عباسی، اهدافی چون تلاش برای انزوای امامت و ولایت اهل بیت علیهم السلام، سرگرم کردن مردم به مناظرات علمی و در نتیجه بی‌توجهی به قیام‌های علوی، شناخت بهتر امام و جلوگیری از ملاقات امام با یاران خویش را پی می‌گرفتند؛ در مقابل امام جواد علیه السلام نیز اهدافی چون دفع شبهات و روشن نمودن تعالیم اصیل اسلامی و شیعه در زمینه‌های اعتقادی چون توحید، نبوت، امامت و قرآن، شکوفایی علمی و بازگردانی تمدن اسلامی به جایگاه اصلی خویش، استفاده از فرصت‌های مناسب در

تبلیغ و ترویج آیین اسلام و تبیین راهی برای شناخت حق از باطل، نشان دادن طریقه درست برخورد منطقی و عقلانی در مناظرات خویش به همگان را دنبال می‌کردند؛ اما پایان مناظرات که با شکست مأمون و معتصم همراه بود، باعث شد تا خلفای عباسی وجود امام را برتتابند و سرانجام امام را به دست ام‌الفضل دختر مأمون و با دستور معتصم عباسی به شهادت رساندند.

در تعریفی جامع از اصطلاح مناظره علمی می‌توان گفت:

جریان جست‌وجو برای به دست آوردن پاسخ یا راه‌حل مناسب برای گفت‌وگوها، تبادل اندیشه‌ها، عرضه ایده‌ها و نظرهاست که به دو طرف یا دو گروه در باب یک موضوع علمی، اجازه هم‌کاری دوجانبه را می‌دهد. (شریعتی سبزواری، ص ۶۲)

امام علی علیه السلام درباره گفت‌گویی صحیح میان دو طرف، می‌فرماید:

إضربوا بعض الرأى ببعض يتولد منه الصواب؛

برخی اندیشه‌ها را با اندیشه‌های دیگر به هم بزنید تا حقیقت به دست آید. (لیثی واسطی، ۹۱؛ تمیمی آمدی، ۱۵۸)

سپس در سخنی دیگر می‌فرماید:

هر کس آراء گوناگون را بداند، مواضع خطا برای او آشکار می‌شود. (کلینی ج ۸: ۲۲؛ حرانی، ۹۰؛ لیثی واسطی، ۴۳۶؛ تمیمی آمدی، ۶۴۰)

بنابراین امام، مردم را به گفت‌وگوی درست تشویق می‌کردند و عقل چند نفر را برتر از یک نفر می‌دانستند تا حدی که مواضع اشتباه فرد به کمک افراد مشخص و ثمربخش می‌گردد.

دوران امامت امام جواد علیه السلام، دوران پراکنش و حساسی برای شیعیان بود؛ زیرا در این زمان خلفای عباسی به حمایت از آراء معتزلی پرداختند و مأمون و معتصم، با حمایت مالی و تشکیل جلسات مناظره و بحث درباره مسائل فقهی و کلامی چون عصمت و علم امام، سؤالات شرعی در باب طلاق زن و حرام و حلال بودن یک زن، جایگاه خلفای راشدین (عمر و ابوبکر) و ... همراه بود. امام با توجه به اوضاع زمانی، به تبلیغ رسالت مفاهیم شیعی چون امامت و گسترش مفهوم ولایت و عصمت اهل بیت علیهم السلام همت گماشته، مناظرات شایسته‌ای با بزرگان معتزله و شیعه انجام دادند. در این میان، می‌توان گفت

که نگاه مأمون و معتصم به امام به جهت ادامه‌دهنده راه امامت، خاص بود و قصدشان از برپایی جلسات گفت‌وگو، محدود نمودن امام به دربار و مسائل بحث‌برانگیز بود تا جایگاه والای امامت و ولایت ایشان را زیر سؤال برند و از چشم مردم بیندازند. با توجه به کتب مناقب، تواریخ، کلامی و تفسیری، فهرست مناظرات امام به شرح ذیل است:

۱. مناظره امام و عمویش با فردی برای پاسخ حکم فقهی در باب طلاق زن که در نهایت امام اشتباه عمویش را اصلاح فرمودند تا جایی که وی به مقام امامت امام جواد علیه السلام اعتراف نمود.

۲. مناظره‌های امام جواد علیه السلام و یحیی بن اُکثم قاضی القضاة بغداد از سوی خلیفه عباسی در چهار نوبت:

الف) در باب صید در حرم که امام تمام وجوهات صید و شخص صیاد را در حالت احرام در قالب پرسش و پاسخ بیان کردند.

ب) در باب حلال و حرام شدن یک زن در یک روز در چند نوبت و پاسخ مستند امام به آن سؤال.

ج) در باب فضایل دروغین ابوبکر و عمر و اثبات عدم فضیلت مطرح شده از سوی امام در پاسخ یحیی بن اُکثم، با توجه به ادله قرآنی و روایی مستند به سیره پیامبر صلی الله علیه و آله.

د) در باب علایم امامت و به سخن درآمدن عصای امام و شهادت به ولایت ایشان.

۳. گفت‌گو میان ابوهاشم داوود بن هاشم جعفری با امام در باب معنای «احد» و «لایدرکه الأبصار» و هم‌چنین در صفات و اسماء الهی.

۴. مناظره میان عبدالعظیم حسنی از نوادگان امام حسن علیه السلام با امام جواد علیه السلام درباره حضرت مهدی (عج)؛ امام ویژگی‌ها، نام و صفات او را بیان فرمودند و از عبدالعظیم خواستند تا با معرفت و شناخت منتظر فرج ایشان باشد.

۵. مناظره میان امام و احمد بن أبوداود قاضی القضاة معتصم در سامرا در مجلس معتصم در باب حد بردن دست دزد که امام با توجه به ادله قرآنی حد آن را بیان نمود.

۶. مناظره امام در جهت توطئه معتصم علیه ایشان.

۲. سیرتطور تاریخی مناظره‌ها

مناظرات امام جواد علیه السلام در جهت شناساندن معارف اصیل اسلامی به عنوان مناظراتی قابل تأمل و مورد بررسی، جایگاه خاصی در شناخت تاریخ اهل بیت علیهم السلام دارد؛ از این رو، با توجه به منابع متعدد کلامی، تاریخی، روایی و تفسیری به مناظره‌ها و سیر تاریخی آن‌ها پرداخته می‌شود:

۱-۲- مناظره امام با یحیی بن اکثم پیش از ازدواج

امام با یحیی بن اکثم پیش از مراسم ازدواج با ام‌الفضل مناظره داشتند. این مناظره در جهت امتحان علم امام از امور فقهی توسط مأمون ترتیب داده شد تا علم و هیبت امام را به همگان و به ویژه خاندان عباسی اثبات کند و به خیال باطل خویش، شخصیت امام را مخدوش نماید؛ زیرا گمان می‌نمود امام در سنین کودکی قادر به جواب دادن به سؤالات فقهی و شرعی نیست.

الف) مخاطب امام: در این مناظره طرف مقابل امام، به طور خاص یحیی قاضی ویژه مأمون بود ولی به طور عام تمام خاندان عباسی و شخص مأمون را نیز شامل می‌گردید.

ب) سن امام و محل مناظره: در این مناظره شاهدان مناظره امام را صبی خوانده‌اند؛ یعنی کسی که در دین خدا تفقه ندارد و واجبات و سنت‌ها را نمی‌شناسد و طبق نقل روایات، سن امام به طور معمول بین نه تا یازده سال شمرده‌اند؛ ولی گمان بیش‌تر ده سالگی امام است. محل تشکیل مناظره نیز در سرای خلافت عباسی در بغداد و کاخ مأمون بود.

ج) متن مناظره: ابن اکثم رو به مأمون گفت: «اجازه می‌دهی از ابی جعفر جواد پرسش کنم؟» مأمون گفت: «از خود او اجازه بگیر!» پس یحیی رو بدان حضرت کرده، گفت: «قربانت کردم اجازه می‌فرمایی مسأله‌ای بپرسم؟» حضرت جواد علیه السلام فرمودند: «پرس!» گفت: «قربانت کردم! درباره شخصی که در حال احرام شکاری بکشد چه می‌فرمایید؟» حضرت فرمودند: «آیا در حل کشته است یا در حرم؟ عالم به مسأله و حکم بوده یا جاهل؟ از روی عمد کشته یا به خطاء؟ آن شخص آزاد بوده یا بنده؟ نخستین بار بوده که چنین کاری کرده یا پیش از آن نیز انجام داده؟ آن شکار از پرندگان بوده یا غیر آن؟ از شکارهای کوچک بوده یا بزرگ؟ باز هم باکی از انجام دادن چنین کاری ندارد یا

این‌که اکنون پشیمان است؟ در شب این شکار را کشته یا در روز؟ در حال احرام عمره بوده یا احرام حج؟» (بگو کدام یک از این اقسام کوچک یا بزرگ بوده زیرا هر کدام حکمی جداگانه دارد؟) یحیی متحیر شد و ناتوانی و زبونی در چهره‌اش آشکار گردید و زبانش به لکنت افتاد به طوری که حاضران مجلس ناتوانی او را در برابر آن حضرت فهمیدند.

مأمون چون علم امام را دید که بر همگان آشکار گردیده، دخترش را با مهریه حضرت زهرا علیها السلام به ازدواج امام درآورد و سپس رو به امام گفت: «قربانت کردم اگر صلاح بدانی (خوب است) احکام هر کدام یک از آن چه درباره کشتن شکار در حال احرام به شرحی که فرمودی، برای ما بیان کنی که ما هم بدانیم و بهره ببریم؟» حضرت فرمودند: «آری شخص محرم چون در حل (خارج حرم) شکاری را بکشد و آن شکار پرنده و بزرگ باشد کفاره‌اش یک گوسفند است، و اگر در حرم بکشد کفاره‌اش دو برابر می‌شود، از این رو اگر جوجه پرنده را در خارج حرم بکشد، کفاره او بچه گوسفندی است که تازه از شیر گرفته باشند و اگر آن را در حرم بکشد، باید هم آن را بدهد و هم بهای آن جوجه را که کشته است (این در صورتی بود که شکار پرنده باشد) و اگر از حیوانات وحشی باشد، پس اگر الاغ وحشی باشد کفاره‌اش یک گاو است، و اگر شتر مرغ باشد، کفاره‌اش یک شتر است و اگر آهو باشد، یک گوسفند بر او واجب می‌شود، (این‌ها در صورتی است که در بیرون حرم بکشد). اگر یکی از این حیوانات وحشی را در حرم کشت، کفاره‌اش دو برابر می‌شود بدان قربانی که به کعبه رسد و هرگاه محرم کاری بکند که قربانی بر او واجب شود و احرامش احرام حج باشد، آن قربانی را در منی باید بکشد و اگر احرام عمره باشد، در مکه قربانی کند، و کفاره صید نسبت به عالم و جاهل یکسان است. و اما در عمد (اضافه بر کفاره) گناه نیز کرده و در خطا از او برداشته شده، و اگر کشنده آزاد باشد، کفاره بر خود اوست و اگر بنده باشد، کفاره به گردن آقای اوست، و کفاره بر صغیر واجب نیست، ولی بر کبیر واجب است؛ شخصی که از کار خود پشیمان است، به واسطه همین پشیمانی عقاب آخرت از او برداشته می‌شود، ولی آن‌که پشیمان نیست به طور حتم در آخرت عقاب خواهد شد.» در نهایت مأمون گفت: «احسنت ای ابا جعفر! خدا به تو نیکی عنایت کند!». (مسعودی، ۲۲۳ - ۲۲۶؛ طبرسی، ج ۲: ۴۴۳ - ۴۴۶؛ قمی، ج ۱: ۱۸۳ و ۱۸۴؛ مفید، ج ۲: ۲۸۳ - ۲۸۸؛ مفید، ۹۹ - ۱۰۱؛ فتال نیشابوری، ج ۱: ۲۳۸ - ۲۴۰؛ ابن شهر آشوب مازندرانی، ج ۴: ۳۸۱؛ طبرسی:

۳۵۴-۳۵۱: ابن حمزه طوسی: ۵۰۷-۵۰۵؛ اربلی، ج ۲: ۳۵۳-۳۵۶؛ شامی: ۷۰۵-۷۰۸؛
 عاملی نباطی، ج ۲: ۱۷۵؛ بحرانی، ج ۴: ۵۵۳-۵۵۷؛ مجلسی، ج ۱۰: ۳۸۱-۳۸۴ و ج ۵۰:
 ۷۴-۷۷؛ جزائری، ج ۲: ۴۴۷-۴۴۹؛ بحرانی اصفهانی، ج ۲۳: ۳۴۲-۳۴۶)

(د) **راویان مناظره:** محمد بن حسین و محمد بن عون النصیبی ازریان بن شیب یا به
 طرقی دیگر که شیخ مفید نقل کرده، از حسن بن محمد بن سلیمان از علی بن ابراهیم
 بن هاشم از پدرش ازریان بن شیب.

(ه) **ترتیب منابع:** در این زمینه آثار زیادی وجود دارد که به شرح ذیل است:

ر	نام نویسنده	نام کتاب	زمان	نوع منبع	سن امام هنگام مناظره
۱	علی بن ابراهیم قمی	تفسیر قمی	متولد ۳۸۱ ق	تفسیری	کوچک ۱۰ ساله
۲	علی بن حسین مسعودی	اثبات الوصیه	م ۳۴۶ ق	کلامی	کوچک ۱۰ ساله
۳	شیخ مفید	الارشاد	م ۴۱۳ ق	تاریخی	کوچک ۱۰ یا ۱۱ ساله
۴	شیخ مفید	الاختصاص	م ۴۱۳ ق	گوناگون	کوچک ۱۰ یا ۱۱ ساله
۵	قتال نیشابوری	روضه الواعظین	م ۵۰۸ ق	گوناگون	کوچک
۶	فضل بن حسن طبرسی	اعلام الوری	م ۵۴۸ ق	تاریخی	۹ ساله-کوچکی سن
۷	محمد بن علی ابن حمزه طوسی	الثاقب فی المناقب	زنده در ۵۶۶ ق	مناقب	۹ ساله

ر	نام نویسنده	نام کتاب	زمان	نوع منبع	سن امام هنگام مناظره
۸	ابن شهر آشوب مازندرانی	مناقب آل ابی طالب	م ۵۸۸ ق	مناقب	جوان - بدون ذکر سن
۹	احمد بن علی طبرسی	الاحتجاج	م ۵۸۸ ق	کلامی	۹ ساله
۱۰	علی بن عیسی اربلی	کشف الغمه	م ۶۹۲ ق	کلامی	۹ ساله
۱۱	یوسف بن حاتم شامی	الدرالنظیم فی مناقب الإئمه	قرن هفتم	مناقب	کوچکی سن - بدون ذکر سن
۱۲	علی بن محمد عاملی نباطی	الصراط المستقیم الی مستحقى التقدیم	م ۸۷۷ ق	کلامی	کوچکی سن - بدون ذکر سن
۱۳	سید هاشم بحرانی	حلیه الابرار	م ۱۱۰۷ ق	مناقب	۷ ساله
۱۴	محمد باقر مجلسی	بحار الانوار	م ۱۱۱۰ ق	جامع روایی	۹ تا ۱۱ ساله
۱۵	نعمت الله جزائری	ریاض الابرار	م ۱۱۱۲ ق	مناقب	۹ ساله
۱۶	عبدالله بحرانی اصفهانی	عوالم العلوم	م قرن دوازدهم	کلامی	۹ ساله

(و تفاوت‌های مناظره: در این مناظره نام روایان یکی بوده مگر در کتاب شیخ مفید (مفید، ج ۲: ۲۸۲) که نام روایان حسن بن محمد بن سلیمان از علی بن ابراهیم بن هاشم از پدرش از ریان است که در نام ریان بن شیبب که از خود امام نقل می‌کند یکی

هستند. دیگر آن که سن امام که اکثر منابع اتفاق نظر بین نه تا ۱۱ سال داشته مگر *حایه‌الانوار* (بحرانی، ج ۴: ۵۵۳) که هفت ساله می‌داند.

از میان قدیمی‌ترین منابع نیز *تفسیر قمی* و *اثبات‌الوصیه* مسعودی و هم چنین *در‌الارشاد* و *الإختصاص* شیخ مفید، بر نقل این واقعه اتفاق نظر دارند که متقن بودن متن روایت و صحت مناظره را نشان می‌دهد.

۲-۲- مناظره امام جواد علیه السلام با یحیی بن اکثم پس از ازدواج

مناظره امام پس از برگزاری جشن ازدواج با ام‌الفضل در کاخ مأمون در باب حلال شدن یک زن برای چند بار در یک شبانه‌روز که امام با طرح چنین سؤالی، ضعف این اکثم را شناساندند و به تمام وجوه مطرح شده در سؤال جواب منطقی دادند:

الف) مخاطب امام: یحیی بن اکثم قاضی ویژه مأمون

ب) سن امام و محل مناظره: مانند مورد قبلی روی سن نه تا یازده سال اتفاق نظر دارند و محل مناظره در مقرر خلافت عباسی در بغداد - کاخ مأمون - بوده است.

ج) متن مناظره: پس از جواب امام در مناظره قبلی (ماجرای کفاره صید حرم با تمام وجوهات ممکن آن) مأمون گفت: «اکنون خوب است شما نیز از یحیی پرسشی کنی چنان چه او از شما پرسید؟» حضرت به یحیی فرمودند: «پرسم؟» گفت: «هرگونه میل شماست قربانت گردم (پرسید) پس اگر توانستم پاسخت گویم وگرنه از شما بهره‌مند می‌شوم».

حضرت فرمودند: مرا آگاه کن از مردی که در بامداد به زنی نگاه می‌کند و آن نگاه حرام است و چون روز بالا می‌آید، بر او حلال می‌شود و چون ظهر گردد دوباره حرام می‌شود و چون وقت عصر گردد، بر او حلال شود و چون غروب کند، بر او حرام شود و چون وقت عشا شود بر او حلال گردد و چون نیمه‌شب شود بر او حرام گردد و چون سپیده صبح شود، بر او حلال گردد. این چگونه زنی است و برای چه حلال می‌شود و از چه رو حرام می‌گردد؟» یحیی گفت: «به خدا من به پاسخ این پرسش راهبر نیستم و جهت حلال شدن‌ها و حرام شدن‌ها را نمی‌دانم! اگر صلاح بدانید پاسخ آن را بفرمایید تا بهره‌مند شویم؟» حضرت فرمودند: «این زنی است که کنیز مردی بوده و بامداد مرد بیگانه دیگری بر او نگاه کرد و آن نگاه حرام بود، و چون روز بالا آمد، او را از آرایش خرید، پس بر او حلال شد و چون ظهر شد آزادش کرد، پس با آزاد شدن حرام شد، چون عصر

شد، او را به زناشویی گرفت و بر او حلال شد و چون غروب شد اظهارش کرد (به او گفت: پشت تو مانند پشت مادر من است که آن را اظهار می‌گویند و در اسلام احکامی دارد از آن جمله این که با گفتن این جمله، زن فرد گوینده) بر او حرام می‌شود و چون هنگام عشا شد کفاره اظهار را داد و بر او حلال شد و چون نیمه شب شد به یک طلاق او را طلاق داد، پس حرام شد و چون سپیده زد، به او رجوع کرد پس بر او حلال شد». (طبرسی، ج ۲: ۴۴۳-۴۴۶؛ مفید، ج ۲: ۲۸۳-۲۸۸؛ طبرسی ص ۳۵۳؛ فتال نیشابوری، ج ۱: ۲۴۰ و ۲۴۱؛ ابن شهر آشوب مازندرانی، ج ۴: ۳۸۱؛ اربلی، ج ۲: ۳۵۷؛ حر عاملی، ج ۷: ۲۴۰؛ بحرانی، ج ۴: ۵۵۸ و ۵۵۹؛ مجلسی، ج ۱۰: ۳۸۵ و ج ۵۰: ۷۸؛ جزائری، ج ۲: ۴۴۹ و ۴۵۰؛ بحرانی اصفهانی، ج ۲۳: ۳۴۹)

د) راویان مناظره: همانند مناظره قبلی که عبارتند از: محمد بن حسین و محمد بن عون النصبی از ریان بن شیبب یا به طرقی دیگر که شیخ مفید نقل کرده از حسن بن محمد بن سلیمان از علی بن ابراهیم بن هاشم از پدرش از ریان بن شیبب. (ه) ترتیب منابع: در این زمینه آثار زیادی وجود دارد که به شرح ذیل است:

ردیف	نام نویسنده	نام کتاب	زمان	نوع منبع	سن امام هنگام مناظره
۱	شیخ مفید	الارشاد	م ۴۱۳ ق	تاریخی	کوچک ۱۰ یا ۱۱ ساله
۲	فتال نیشابوری	روضه الواعظین	م ۵۰۸ ق	گونگون	کوچک
۳	فضل بن حسن طبرسی	اعلام الوری	م ۵۴۸ ق	تاریخی	۹ ساله کوچک
۴	ابن شهر آشوب مازندرانی	مناقب آل ابی طالب	م ۵۸۸ ق	مناقب	جوان - بدون ذکر سن

ردیف	نام نویسنده	نام کتاب	زمان	نوع منبع	سن امام هنگام مناظره
۵	احمد بن علی طبرسی	الاحتجاج	م ۵۸۸ ق	کلامی	۹ ساله
۶	علی بن عیسی اربلی	کشف الغمه	م ۶۹۲ ق	کلامی	۹ ساله
۷	محمد بن حسن حر عاملی	هدایه الاحکام	م ۱۱۰۴ ق	فقهی	کوچک - بدون ذکر سن
۸	سید هاشم بحرانی	حلیه الأبرار	م ۱۱۰۷ ق	مناقب	۷ ساله
۹	محمد باقر مجلسی	بجارات الانوار	م ۱۱۱۰ ق	جامع روایی	۹ تا ۱۱ ساله
۱۰	نعمت الله جزائری	ریاض الأبرار	م ۱۱۱۲ ق	مناقب	۹ ساله
۱۱	عبدالله بحرانی اصفهانی	عوامل العلوم	م قرن دوازدهم	کلامی	۹ ساله

و تفاوت‌های مناظره: در این مناظره تفاوتی در منابع دیده نشده است.

۲-۳- مناظره سوم امام جواد علیه السلام با یحیی

یحیی بن اکثم با امام جواد علیه السلام در باب حجت خواستن بر امامت امام مناظره کرد که عسای امام به حرف درآمد و صاحب خود را حجت زمان معرفی نمود.

الف) مخاطب امام: یحیی بن اکثم قاضی مخصوص مأمون عباسی

ب) سن امام و محل مناظره: سن امام در منابع ذکر نشده، اما نویسنده *دلائل الامامه* (طبری آملی: ۴۰۲) سن امام را یازده سال دانسته و محل مناظره نیز در مدینه

و در مسجدالنبی صلی الله علیه و آله بوده است.

ج) متن مناظره: محمد بن ابی العلاء روزی از یحیی بن اکثم پس از مناظره معروفش با امام در کاخ مأمون پرسید و وی در جواب گفت: «روزی در مسجدالنبی در کنار قبر پیامبر صلی الله علیه و آله بودم که محمد بن علی بن موسی الرضا علیه السلام را دیدم و خواستم از امام سؤالی کنم ولی شرمم آمد؛ در این هنگام امام فرمودند: "می‌خواهی بپرسی که امام در این زمان کیست؟" پس گفتم: "آری به خدا قسم همین است ولی علامتی می‌خواهم". در آن حال عصا در دست امام به سخن درآمد و گفت: "همانا صاحب و امام در این زمان، محمد بن علی امام جواد علیه السلام است ای یحیی". (همان؛ ابن حمزه طوسی: ۵۰۸؛ ابن شهرآشوب مازندرانی، ج ۴: ۳۹۳ و ۳۹۴؛ حرعاملی، ج ۴: ۳۹۰)

د) راویان مناظره: راویان این مناظره عبارتند از: احمد بن حسین از محمد بن ابوطیب از عبدالوهاب بن منصور از محمد بن ابی العلاء.

ه) ترتیب منابع: منابعی که به ذکر این رویداد پرداخته‌اند، عبارتند از:

ردیف	نام نویسنده	نام کتاب	زمان	نوع منبع	سن امام هنگام مناظره
۱	ابن جریر بن رستم طبری آملی	دلائل‌الأمامه	م بعد از ۴۱۱ ق	کلامی	به احتمال ۱۱ ساله
۲	ابن جریر بن رستم طبری آملی	نوادرالمعجزات	م بعد از ۴۱۱ ق	کلامی	به احتمال ۱۱ ساله
۳	محمد بن علی بن حمزه طوسی	الثاقب فی المناقب	زنده در ۵۶۶ ق	مناقب	بدون ذکر سن
۴	ابن شهرآشوب مازندرانی	مناقب آل ابی طالب	م ۵۸۸ ق	مناقب	بدون ذکر سن

ردیف	نام نویسنده	نام کتاب	زمان	نوع منبع	سن امام هنگام مناظره
۵	محمد بن حسن حر عاملی	اثباه الهداه بالنصوص	م ۱۱۰۴ ق	کلامی	بدون ذکر سن

(و تفاوت های مناظره: در این مناظره نیز تفاوتی یافت نشد.

۴-۲- مناظره چهارم یحیی بن اکثم با امام جواد علیه السلام

این مناظره پس از ازدواج با ام الفضل و درباره فضایل دروغین ابوبکر و عمر صورت گرفت و امام با استفاده از دلایل محکم و مستند از قرآن و سنت نبوی صلی الله علیه و آله پاسخ دادند.

(الف) مخاطب امام: یحیی بن اکثم قاضی ویژه مأمون

(ب) سن امام و محل مناظره: پس از ازدواج امام با ام الفضل واقع شده و چون امام در آن زمان بین نه تا یازده سال داشتند، در این زمان واقع گردیده و محل آن در مجلس مأمون در مقر خلافت در بغداد بوده است.

(ج) متن مناظره: در مراسم ازدواج که در سرای مأمون ترتیب داده بودند، یحیی از امام پرسید: «نظر شما درباره این خبر چیست: روزی جبرئیل بر رسول خدا صلی الله علیه و آله فرود آمد و گفت: "ای محمد، خداوند عزوجل سلامت رسانده، می فرماید: از ابوبکر بپرس آیا از من راضی است چون من از او خشنودم؟" حضرت فرمود: "من منکر فضل ابوبکر نیستم، ولی بر راوی این خبر واجب است که حدیثش را با حدیث دیگری که از آن حضرت نقل شده مقابله کند که در آخرین سفر حج فرمود: «دروغ بر من بسیار شده و پس از من نیز زیاد خواهد شد، پس هر کس از روی عمد بر من دروغی ببندد، باید جایگاه خود را در آتش قرار دهد. چون حدیثی از من به شما رسید، آن را بر کتاب خدا و سنت من عرضه کنید، هر چه موافق قرآن و سنت من بود، آن را برگزید و مخالف آن دورا نگیرید». این خبری که تو نقل کردی، با قرآن نمی خواند. خداوند متعالی فرموده: «و همانا ما آدمی را آفریده ایم و آن چه را نفس او وسوسه می کند می دانیم، و ما به او از رگ گردن نزدیک تریم - ق / ۱۶»؛ پس بنابراین مفاد حدیث، بر خداوند عزوجل رضا و سخط ابوبکر مخفی بوده تا از مکتون سرّ خود بپرسد؟ این مطلب محال عقلی است".

یحیی گفت: «در خبر است که مثل ابوبکر و عمر در زمین مثل جبرئیل و میکائیل

است در آسمان». حضرت فرمود: "و این مطلب نیز قابل تأمل است؛ زیرا جبرئیل و میکائیل دو فرشته مقربى هستند که هرگز معصیت پروردگار نکرده و حتی برای لحظه‌ای از طاعت خداوند فارغ نشده‌اند، ولی ابوبکر و عمر مدتی به خدا مشرک بودند هرچند پس از آن اسلام آوردند، پس بیش تر عمرشان مشرک بوده‌اند، پس تشبیه آن دو به آن دو محال است".

یحیی گفت: «حدیث است که: فقط آن دو سید و سرور پیران اهل بهشتند؛ نظر شما درباره این حدیث چیست؟»

امام جواد علیه السلام فرمود: «این حدیث نیز محال است، زیرا اهل بهشت همگی برنا و جوانند و پیرو و سالخورده‌ای میانشان نیست. و این خبر از جعلیات بنی‌امیه در ضدیت با حدیثی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم درباره حسن و حسین علیهما السلام فرمودند: «که آن دو سرور و آقای اهل بهشت هستند».

یحیی گفت: «نقل است که تنها عمر بن خطاب چراغ اهل بهشت است». امام فرمود: «آن نیز محال است، زیرا بهشت مکان فرشتگان مقرب الهی و آدم و محمد صلی الله علیه و آله و سلم و تمام انبیا و مرسلین است. آیا بهشت به نور ایشان روشنایی نمی‌یابد تا به نور عمر روشن گردد؟! یحیی گفت: «نقل است سکینه و آرامش بر زبان عمر سخن می‌گوید». امام فرمود: «من منکر فضل عمر نیستم، ولی ابوبکر افضل از او بود؛ با این حال بر منبر گفت: "مرا شیطانی است که بر من عارض می‌شود؛ هرگاه منحرف شدم مرا به راه آورید". یحیی گفت: «نقل است رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرموده: "اگر من مبعوث نمی‌شدم عمر می‌شد." فرمود: "کتاب خدا صادق‌تر از این حدیث است. خدا فرموده: «و یاد کن آن‌گاه که از پیامبران پیمان گرفتیم و از تو و از نوح،" (سوره احزاب، آیه ۷) با این اخذ میثاقی که خداوند از انبیا گرفته، چطور امکان دارد آن را عوض یا تبدیل نماید، و هیچ‌کدام از حضرات انبیا حتی برای لحظه‌ای به خداوند شرک نوزیدند، پس چگونه کسی که بیش تر عمرش مشرک بوده به نبوت مبعوث شود و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرموده: «من به پیامبری برگزیده شدم و آدم میان روح و جسد بود»؟!»

یحیی گفت: «نقل است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرموده: "هر وقت وحی از من قطع می‌شد، گمان می‌بردم که برآل خطاب نازل شده". حضرت فرمود: «این نیز محال است، زیرا جایز نیست که پیامبر در نبوت خود شک کند. خداوند متعالی فرموده: «خداوند

از میان فرشتگان و مردم رسولانی برمی‌گزیند،" (سوره حج، آیه ۷۵) پس چگونه ممکن است که نبوت از برگزیده خدا به مشرک منتقل شود؟"

یحیی گفت: «نقل شده که رسول خدا ﷺ فرمودند: "اگر عذاب نازل شود، فقط عمر نجات خواهد یافت." حضرت فرمود: "این نیز محال است، زیرا خداوند متعالی می‌فرماید: (و خدا بر آن نیست که ایشان را عذاب کند در حالی که تو در میان ایشان، و خدا عذاب‌کننده آنان نیست در حالی که آمرزش می‌خواهند) (سوره انفال، آیه ۳۳) خداوند با این آیه خبر داده که تا پیامبر در میان ایشان باشد، و تا زمانی که آمرزش می‌خواهند، کسی را عذاب نمی‌کند." (طبرسی، ج ۲: ۴۴۶-۴۴۹؛ بحرانی، ج ۴: ۶۲۳-۶۲۶؛ مجلسی، ج ۵۰: ۸۰-۸۳؛ جزائری، ج ۲: ۴۵۰-۴۵۲؛ بحرانی اصفهانی، ج ۲۳: ۳۵۰-۳۵۳)

(د) راویان مناظره: محمد بن حسین و محمد بن عون النصبی از ریان بن شیبب.
(ه) ترتیب منابع: ذکر این رویداد با توجه به منابعی که ذکر شده عبارت است از:

ردیف	نام نویسنده	نام کتاب	محدوده زمانی	نوع منبع	سن امام هنگام مناظره
۱	احمد بن علی طبرسی	الاحتجاج	م ۵۸۸ ق	کلامی	۹ ساله
۲	سید هاشم بحرانی	حلیه الإبرار	م ۱۱۰۷ ق	مناقب	۷ ساله
۳	محمد باقر مجلسی	بحار الأنوار	م ۱۱۱۰ ق	جامع روایی	۹ تا ۱۱ ساله
۴	نعمت‌الله جزائری	ریاض الأبرار	م ۱۱۱۲ ق	مناقب	۹ ساله

ردیف	نام نویسنده	نام کتاب	محدوده زمانی	نوع منبع	سن امام هنگام مناظره
۵	عبدالله بحرانی اصفهانی	عوامل العلوم	م قرن دوازدهم	کلامی	۹ ساله

(و تفاوت‌های مناظره: تفاوتی یافت نشد.

۵-۲- مناظره عمومی امام با آن حضرت

عبدالله بن موسی عمومی امام، در حضور تعدادی از شیعیان چون ریان بن صلت، صفوان بن یحیی، عبدالرحمان بن حجاج، یونس بن عبدالرحمان، حسن بن راشد و جماعتی از بزرگان شیعه، بر سر مسأله طلاق زن به اشتباه حکم کرد که امام جواد علیه السلام با رعایت حسن احترام و ادب متقابل، جواب درست دادند تا جایی که عمومی امام به علم برادرزاده‌اش اعتراف نمود و امامت او را معتقد گشت.

(الف) مخاطب امام: عده‌ای از یاران امام جواد علیه السلام و عمومی امام (عبدالله بن موسی)

(ب) سن امام و محل مناظره: در این زمان امام در سنین نوجوانی (حداقل ده سال) قرار داشتند و این مناظره در منزل امام ششم علیه السلام در مدینه صورت گرفت.

(ج) متن مناظره: نقل شده که بزرگان شیعه و یاران برجسته امام رضا علیه السلام وقتی خواستند از امام جواد علیه السلام سؤال نمایند، وی را کودکی فرض کردند و چون یونس یکی از یاران صدیق امام افراد دیگر را قانع کرد، نزد امام آمدند. عبدالله بن موسی نیز وارد مجلس شد. در آن بین گوینده‌ای بلند شد و گفت: «این عبدالله بن موسی فرزند پیغمبر صلی الله علیه و آله است؛ هر کسی مسأله‌ای دارد از او بپرسید.»

یکی از علما به عبدالله گفت: «چه می‌گویی درباره این مسأله که کسی به زن خود بگوید: تو به عدد ستارگان آسمان طلاق داده شدی؟» گفت: «زن او طلاق داده می‌شود، به ثلاث یصدر الجوزاء والنسر الواقع.» این جواب باعث حیرت و غصه شیعه شد (زیرا غلط بود). مرد دیگری متوجه وی شد و گفت: «چه می‌گویی درباره کسی که با حیوانی جماع کند؟» گفت: «باید دست او را قطع کنند و صد تازیانه بخورد و تبعید هم بشود.» علما از این جواب غلط صدا به گریه بلند کردند. در آن مجلس تمام فقهای شهرها از مشرق زمین، مغرب زمین، حجاز، مکه و عراقین اجتماع کرده بودند. آنان بعد از شنیدن

این جواب‌های نادرست، تصمیم گرفتند از آن مجلس برخیزند. ناگاه دیدند که دربی از صدر مجلس باز شد. موفق خادم در جلو و امام جواد علیه السلام از عقب وارد شدند. آن حضرت دو پیراهن و یک شلوار پوشیده و عمامه‌ای بر سر نهاده بودند که دو طرف آن از جلو و عقب آن حضرت آویزان بود. نعلین‌هایی پوشیده بودند که دوال آن‌ها در میان انگشت پاهایش بود. براهل مجلس سلام کردند و نشستند و همه مجلس سکوت کردند.

سؤال کننده اول بلند شد و گفت: «یا بن رسول الله! چه می‌فرمایی درباره این مسأله که مردی به زن خود بگوید: تو به عدد ستارگان آسمان طلاق داده شدی؟» امام جواد علیه السلام فرمودند: «کتاب خدا را بخوان که می‌فرماید: (الطَّلَاقُ مَرَّتَانِ فَإِمْسَاكٌ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٌ بِإِحْسَانٍ) (سوره بقره، آیه ۲۲۹) گفت: «عموی شما فتوا داد که با این جمله آن زن طلاق داده می‌شود.» امام فرمود: «ای عمو، از خدا بترس! با بودن امامی که از تو عالم‌تر است فتوا نده!».

پرسش کننده دوم از جا بلند شد و گفت: «یا بن رسول الله، چه می‌فرمایی در این مسأله که مردی با حیوانی جماع کند؟» فرمود: «آن مرد باید کمتر از ۱۰۰ تازیان به خورد؛ پشت آن حیوان را باید داغ کنند و آن را از شهر خارج نمایند که برای آن مرد ننگ نباشد.» آن مرد گفت: «عمویتان جواب ما را چنین و چنان گفت.» امام جواد علیه السلام فرمود: «لا اله الا الله! ای عمو! این برای تو کار بزرگی است که فردای قیامت در مقابل خدا قرار بگیری و خدا به تو بگوید: چرا آن چیزی را که نمی‌دانستی برای بندگان من فتوا دادی، در صورتی که عالم‌تر از تو در مسند امامت وجود داشت؟!» عبدالله بن موسی در جواب گفت: «من جواب این مسأله را به همین نحو از برادرم امام رضا علیه السلام شنیدم.» امام جواد علیه السلام فرمود: «از امام رضا علیه السلام این مسأله را پرسیدند: "با مردی که قبرزنی را بشکافد و با آن زن مرده زنا کند و کفن او را سرقت نماید چه باید کرد؟" امام رضا علیه السلام فرمودند: "دست آن مرد را برای سرقتی که کرده باید قطع کنند؛ او را برای این‌که با مرده زنا کرده تبعید نمایند.» (مسعودی، ص ۲۲۰ - ۲۲۲؛ ابن شهر آشوب مازندرانی، ج ۴: ۳۸۳ و ۳۸۴؛ شامی: ۷۰۴ و ۷۰۵؛ مجلسی، ج ۵۰: ۸۹ - ۹۱ و ج ۵۰: ۹۹ و ۱۰۰)

(د) راویان مناظره: محمد محمودی از پدرش روایت کرده است.

(ه) ترتیب منابع: ترتیب منابع به صورت ذیل است:

ردیف	نام نویسنده	نام کتاب	زمان	نوع منبع	سن امام هنگام مناظره
۱	علی بن حسین مسعودی	اثبات الوصیه	م ۳۴۶ ق	کلامی	کوچک (۱۰ ساله)
۲	ابن شهر آشوب	مناقب آل ابی طالب	م ۵۸۸ ق	مناقب	۸ ساله
۳	یوسف بن حاتم شامی	الدرالنظیم فی مناقب	قرن هفتم	مناقب	۸ ساله
۴	محمد باقر مجلسی	بحار الأنوار	م ۱۱۱۰ ق	جامع روایی	۷ ساله

و تفاوت‌های مناظره: تفاوت تنها در سن امام است که آن را از هفت تا ده سال قید کرده‌اند.

۶-۲- مناظره ابوهاشم جعفری با امام جواد علیه السلام

داوود بن قاسم جعفری^۱ با امام درباره معنای «احد و لا یدرکه الأبصار» (صفات و اسماء الهی) مناظره داشت. الف) مخاطب امام: ابوهاشم داوود بن قاسم جعفری (ب) سن امام و محل مناظره: سن امام در این مناظره ذکر نشده است. ج) متن مناظره: ابوهاشم داود بن قاسم جعفری از امام جواد علیه السلام پرسید: «احد» در آیه مبارکه (قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ) به چه معناست؟ فرمود: «یعنی اتفاق همگان بر یکتایی او؛ چنان‌که خود فرموده: "و اگر از آنان پرسیدی: چه کسی آسمان‌ها و زمین را آفریده و آفتاب و ماه را رام گردانیده؟ هر آینه گویند: خدای." (سوره عنکبوت، آیه ۶۱) سپس برای او شریک و صاحب قائل می‌شوند».

۱. ابوهاشم داوود بن قاسم جعفری از نوادگان جعفر طیار و از صحابه امام جواد علیه السلام تا امام حسن عسکری علیه السلام که ثقة و جلیل‌القدر دانسته شده و از امامان روایات و وقایعی را نقل کرده که از منظر شیعه و اهل سنت از صحت و اعتبار زیادی برخوردار است.

سپس درباره آیه: (چشم‌ها او را درنیابد) (سوره انعام، آیه ۱۰۳) امام فرمود: ای ابوهاشم، اوهام دل‌ها دقیق‌تر از چشم‌های دیدگان است، تو با وهم خود قادری شهرهای سند و هند و حتی بلادی را درک کنی که به آن‌ها وارد نشده‌ای، ولی با چشم‌هایت قادر به درک آن‌ها نیستی، بنابراین اوهام قلب و دل‌ها او را درک نمی‌کند تا چه رسد به چشم‌های دیدگان.»

باز پرسید: «آیا رواست به خدا گویند: او چیزی است؟» فرمود: «آری، با این کار او را از حد ابطال (خدایی نیست) و حد تشبیه (او را به مخلوقمانند ساختن) خارج می‌کنی.» ابوهاشم جعفری گوید: خدمت امام جواد علیه السلام بودم که مردی از آن حضرت پرسید: «به من بفرمایید آیا اسماء و صفاتی که در قرآن برای خداوند آمده، آن اسماء و صفات، خود پروردگار است؟»

امام فرمود: «کلام تو دارای دو معناست، اگر مقصودت که می‌گویی این‌ها خود او هستند، این است که خدا متعدد و متکثر است، خدا برتر از آن است، و اگر مقصودت این است که این اسماء و صفات همیشگی و ازلی هستند، ازلی بودن دو معنا دارد: اگر بگویی خدا همیشه به آن‌ها علم داشته و شایسته آن‌ها بوده، درست است؛ ولی اگر بگویی تصویر آن‌ها و الفبای آن‌ها و حروف مفرد آن‌ها همیشگی بوده، پناه به خدا می‌برم که با خداوند چیز دیگری در ازل بوده باشد. بلکه خدا بود و مخلوق نبود، سپس این نام‌ها و اسماء و صفات را پدید آورد تا بین او و مخلوق خود واسطه باشند و توسط آن‌ها به درگاه خدا تضرع کنند و او را بپرستند و آن‌ها همه ذکر او باشند. خدا بود و ذکر نبود و کسی که توسط ذکر یاد شود، همان خداوند قدیم است که همیشه بوده و اسماء و صفات همه مخلوقند و معانی آن و آن‌چه از آن‌ها مقصود است، همان خدایی است که اختلاف و به هم پیوستگی او را سزاوار نیست. چیزی که جزء دارد، اختلاف و به هم پیوستگی دارد (نه خدای یگانه یکتا)، و نیز نباید گفت: خدا کم و زیاد است، بلکه او به ذات خود قدیم است، زیرا هر چیز که یکتا نباشد، تجزیه پذیر است و خدا یکتاست و تجزیه پذیر نیست و کمی و زیادی نسبت به او تصور نشود. هر چیز که تجزیه پذیرد و کم و زیادی نسبت به او تصور شود، مخلوقی است که بر خالق خویش دلالت کند. این‌که گویی خدا تواناست، خود خبر داده‌ای که چیزی او را ناتوان نکند و با این کلمه عجز را از او برداشته و ناتوانی را غیر او قرار داده‌ای و نیز این‌که گویی خدا عالم است، با این کلمه جهل را از او برداشته

و نادانی را غیر او قرار داده‌ای و چون خدا همه چیز را نابود کند، صورت تلفظ و مفردات حروف را هم نابود کند، و آن که علم و دانایی اش همیشگی است، همیشه باشد.»

پرسید: (در صورت از بین رفتن الفاظ) «پس چگونه خدای خود را شنوا می‌نامیم؟» فرمود: «از آن جهت که آن چه با گوش درک شود، بر خدا پوشیده نیست ولی او را به گوش می‌شنود که در سر فهمیده می‌شود توصیف نمی‌کنیم. هم چنین او را بینا می‌نامیم، از آن جهت که آن چه با چشم درک شود مثل رنگ و شخص و غیر این‌ها، بر او پوشیده نیست، ولی او را به بینایی نگاه چشم وصف و تعریف نکنیم. و نیز او را لطیف می‌نامیم، برای آن که به هر لطیفی (کوچک و بزرگی) داناست، مانند پشه و کوچک‌تر از آن؛ و موضع راه رفتن و شعور جنسی او و مهرورزی به فرزندان او، و سوار شدن برخی بر برخی دیگر و بردن خوردنی و آشامیدنی او برای فرزندان در کوه‌ها و کویرها و نهرها و خشک‌زارها. از همین جا دریافتیم که آفریننده پشه لطیف است بدون کیفیت. کیفیت تنها مختص مخلوق است که چگونگی دارد، نیز خدای خود را توانا نامیم، نه از جهت قدرت مشت‌کوبی که میان مخلوق مشهور است. اگر توانایی او قدرت مشت‌کوبی معمول میان مخلوق باشد، تشبیه به مخلوق می‌شود و احتمال زیادت برد و آن چه احتمال زیادت برد، احتمال کاهش برد و هر چیز که ناقص و کاست باشد، قدیم نباشد و چیزی که قدیم نیست، عاجز است، پس ربّ و خدای ما - تبارک و تعالی - شبیه و مانند آن‌ها نیست و عاری از هر ضدّ و ندّ (شریک) و کیفیت و نهایت و تبدیلی است. بردل‌ها و قلوب حرام است که او را حمل کند (یا حرام است او را تشبیه کند) و این که او هام او را محدود سازد و این که ضمائر او را به تصویر کشد؛ چه ذات اقدس الهی اجل و اعزاز اادات و ابزار خلق او، و نشانه‌های مخلوق اوست، برتر است از آن چه می‌گویند برتری بزرگ.» (طبرسی، ج ۲: ۴۴۱- ۴۴۳؛ بحرانی اصفهانی، ج ۲۳: ۳۵۳- ۳۵۶)

د) راویان مناظره: ابوهاشم داوود بن قاسم جعفری

ه) ترتیب منابع: در این منابع به ذکر این مناظرات پرداخته شده که عبارت است از:

ردیف	نام نویسنده	نام کتاب	زمان	نوع منبع	سن امام هنگام مناظره
۱	احمد بن علی طبرسی	الاحتجاج	م ۵۸۸ ق	کلامی	بدون ذکر سن
۲	عبدالله بحرانی اصفهانی	عوامل العلوم	م قرن دوازدهم	کلامی	بدون ذکر سن

(و تفاوت‌های مناظره: تفاوتی یافت نشد.

۷-۲- مناظره عبدالعظیم حسنی با امام جواد علیه السلام

عبدالعظیم حسنی در مورد ویژگی‌ها و صفات امام دوازدهم با امام جواد علیه السلام مناظره کرد. امام در این زمینه با او بحث کردند و پس از ذکر ویژگی‌های امام، از عبدالعظیم حسنی خواستند تا منتظر امام باشند.

الف) مخاطب امام: عبدالعظیم حسنی به طور خاص بود گرچه می‌توان، را همه مسلمانان را مخاطب امام دانست.

ب) سن امام و محل مناظره: در منابع ذکری از سن و محل وقوع آن نشده، ولی می‌توان احتمال داد که این مناظره در منزل شخصی امام واقع شده است.

ج) متن مناظره: عبدالعظیم حسنی به امام عرض کرد: «یابن رسول الله! من امیدوارم که تو قائم از اهل بیت محمد صلی الله علیه و آله و سلم باشی؛ همان قائمی که زمین را از قسط و عدل مملو گرداند بعد از آن که پیش‌تر از ظلم و جور پر شده باشد».

آن حضرت فرمود: «نیست هیچ کسی از سلسله علیّه اهل بیت ما الا آن که او قائم بامر الله و هادی خلق به دین الله است لیکن قائم که به حکم خدای مهیمن، زمین را از اهل کفر و انکار پاک گردانیده، آن را مملو از قسط و عدل سازد. او آن چنان کسی است که بر مردمان ولادت ایشان پنهان است؛ هم نام و هم کنیت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم است و آن قائم

۱. عبدالعظیم حسنی از نوادگان امام حسن علیه السلام و از یاران ثقه و مورد اعتماد امام رضا علیه السلام تا امام هادی علیه السلام بودند که به دلیل آزار عمال عباسی به دستور امام وارد شهر ری شدند و بذر تشیع را در این شهر پاشیدند و امروزه قبر ایشان زیارتگاه عارفان و عاشقان ولایت است.

است که زمین منتظر قدوم مسرت و میمنت لزوم اوست و هر صعب جهان بر آن حضرت به غایت آسان گردد و هنگام خروج و ظهور آن سرور، اصحاب او چون به عدد اهل بدر که آن ۳۱۳ نفرند رسد. البته آن امام الجن و البشر، ظاهر گردد و آن جماعت از اقصای بلاد زمین در مکانی که آن حضرت بود، حاضر گردند و از این جاست قول خدای تبارک و تعالی (أَيِّنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعاً إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ). پس هرگاه این عدد مذکور از اهل اخلاص مجتمع گردند، حضرت ایزد اکبر امر آن خلاصه اولاد سیدالبشر را بر خلائق ظاهر گرداند و چون به حکم حضرت بی چون آن جماعت اهل اخلاص به عقد کامل گردند و آن ده هزار مردند، در همان ساعت آن امام الاّمه به اقبال و سعادت خروج بر اهل کفر، و ضلالت و سایر اصحاب خلاف و بدعت نموده، به اذن خدای تعالی ظاهر گردد و پیوسته قتل اعدای خدای عزوجل نماید، چندان که حضرت لم یزل از آن زبده اولاد سیدالرسول از قتل آن کفره راضی گردد».

عبدالعظیم عرض کرد: «یا سیدی، چون معلوم آن ولی حضرت بی چون گردد که ایزد باری از او راضی است؟» امام فرمود: «رضای واجب تعالی از آن امام الوری به این نوع ظاهر گردد که حضرت ربّ العزّه در دل آن حضرت القای رحمت نماید تا بر بقایای امت مرحمت فرماید و چون به مدینه سیدالبریه داخل گردد، لات و عزی را بیرون آورده، بسوزاند». (طبرسی، ج ۲: ۴۴۹ و ۴۵۰؛ بحرانی اصفهانی، ج ۲۳: ۳۵۷)

(د) راوی مناظره: عبدالعظیم حسنی
 (ه) ترتیب منابع: ترتیب منابع در این واقعه عبارت است از:

ردیف	نام نویسنده	نام کتاب	زمان	نوع منبع	سن امام هنگام مناظره
۱	احمد بن علی طبرسی	الاحتجاج	م ۵۸۸ ق	کلامی	بدون ذکر سن
۲	عبدالله بحرانی اصفهانی	عوامل العلوم	م قرن دوازدهم	کلامی	بدون ذکر سن

(و) تفاوت‌های مناظره: تفاوتی یافت نشد.

۸-۲- مناظره احمد بن ابوداؤد با امام جواد علیه السلام

احمد بن ابوداؤد قاضی القضاة معتصم، در مجلسی که این خلیفه با امام جواد علیه السلام ترتیب داده بود تا علم امام را بیازمایند، بر سر یافتن حکم صحیح در باب محل قطع دزد مناظره کرد که معتصم از امام خواست تا جواب را بگوید. امام از دادن جواب خودداری کردند، اما با اصرار معتصم جواب را گفتند. همین مناظره زمینه‌ساز شهادت ایشان گردید.

(الف) مخاطب امام: احمد بن ابوداؤد قاضی القضاة و شخص معتصم

(ب) سن امام و محل مناظره: سن امام در این زمان ۲۵ سال بود و در سرای معتصم در بغداد صورت گرفت.

(ج) متن مناظره: در مجلس معتصم و در حضور فقیهان که قصد استهزا و تحقیر امام جواد علیه السلام را داشتند، وقتی از حکم دزد در باب قطع دست پرسش نمودند و ابن ابی داؤد از بزرگان فقه اهل سنت حکم به قطع دست از مچ داد، ولی امام با اصرار فراوان معتصم مبنی بر جواب فرمود: «من می‌گویم که تمام فقها در این مورد اشتباه کردند. قطع دست باید از انگشتان باشد و کف دست برای سارق باقی بماند؛ به این دلیل که از طرفی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: "سجده باید بر هفت موضع باشد و اگر دست او از مچ قطع شود، چیزی برای سجده از دست باقی نمی‌ماند." از طرفی نیز خداوند در قرآن می‌فرماید (اِنَّ الْمَسَاجِدَ لِلّٰهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللّٰهِ اٰحٰدًا) (سوره جن، آیه ۱۸) آن چیزی که برای خداست، قابل قطع کردن نیست.» معتصم از این جواب کامل حیرت‌زده شد و امر کرد که طبق فتوای امام دست سارق قطع شود این رأی امام بر اساس کتاب الهی و سنت نبوی صلی الله علیه و آله و سلم برخلاف نظر احمد بن ابی داؤد بود. (بحرانی، ج ۴: ۵۸۱ و ۵۸۲؛ بحرانی، ج ۱: ۳۳؛ حرعاملی، ج ۲۸: ۲۵۳؛ مجلسی، ج ۵۰: ۶ و ج ۷۶: ۱۹۲)

(د) راویان مناظره: از زرفان صاحب بن ابوداؤد از احمد بن ابی داؤد قاضی معتصم و در کتاب *حلیه الأبرار* سیدهاشم بحرانی محمد بن مسعود العیاشی در تفسیرش، از احمد بن الفضل الخاقانی از خاندان آل‌رزین آمده است.

(ه) ترتیب منابع: شرح این واقعه در کتب تفسیری، مناقب و روایی عبارت است از:

ردیف	نام نویسنده	نام کتاب	زمان	نوع منبع	سن امام هنگام مناظره
۱	محمد بن حسن حر عاملی	وسائل الشیعه	م ۱۱۰۴ ق	جوامع روایی	۲۵ سال
۲	سیدهاشم بحرانی	حلیه الإبرار	م ۱۱۰۷ ق	مناقب	۲۵ سال
۳	سیدهاشم بحرانی	البرهان فی تفسیر القرآن	م ۱۱۰۷ ق	تفسیری	۲۵ سال
۴	محمدباقر مجلسی	بحار الأنوار	م ۱۱۱۰ ق	جامع روایی	۲۵ سال

(و) تفاوت‌های مناظره: تفاوتی یافت نشد.

۹-۲- مناظره امام با معتصم

امام جواد علیه السلام با معتصم در زمینه توطئه درباریان و تهمت بر امام مبنی بر این که قصد براندازی حکومت عباسی را داشته، مناظره کردند. این مناظره در حضور درباریان صورت گرفت و امام همانند مباحله پیامبر صلی الله علیه و آله خدا را خواندند و ناگهان زمین لرزه آغاز شد. چون چنین وضعی را دیدند به امامت امام جواد علیه السلام معتقد شدند و از امام خواستند تا دعا کند زمین آرام گیرد و زمین آرام گرفت، ولی این امر به همراه تعیین محل قطع دست دزد، زمینه ساز شهادت امام به دست ام الفضل برادرزاده معتصم گردید.

الف) مخاطب امام: معتصم و درباریان

ب) سن امام و محل مناظره: در این زمان ۲۵ سال داشتند و در کاخ معتصم واقع شد.
 ج) متن مناظره: ابن ارومه نقل می‌کند که معتصم، عده‌ای از وزیرانش را خواست و از آنان درخواست کرد تا نامه‌ای نوشته، در آن امام جواد علیه السلام را به خروج متهم سازند. پس معتصم امام را خواست و به او گفت: «آیا علیه من قصد خروج می‌کنی؟» جواب امام منفی بود ولی معتصم گفت: «فلان و فلان بر این عمل تو شاهد هستند و می‌گویند که این نامه را از یکی از غلامانت گرفته‌ایم.» در این هنگام امام دستانش را بالا برد و

گفت: «اینان دروغ می‌گویند، پس آنان را از من بگیر!» در این هنگام زمین شروع به لرزیدن کرد و هر کس که از جای خود برمی‌خاست به زمین می‌افتاد. پس چون معتصم وضعیت را چنین دید، به امام گفت: «دعا کن زمین آرام گیرد.» پس امام رو به سوی خدا عرض کردند: «خدایا! آرامش کن و ای خدا تو می‌دانی که آنان دشمن من و دشمنان تو هستند.» پس ایوان آرام گرفت. (راوندی، ج ۲: ۶۷۰؛ شامی: ص ۷۱۱؛ حرعاملی، ج ۴: ۴۰۱؛ بحرانی، ج ۷: ۳۸۳؛ جزایری، ج ۲: ۴۴۳)

(د) راویان مناظره: ابن‌ارومه

(ه) ترتیب منابع: ترتیب ذکر این مناظره، در منابع به شرح ذیل است:

ردیف	نام نویسنده	نام کتاب	زمان	نوع منبع	سن امام هنگام مناظره
۱	قطب‌الدین راوندی	الخرائج و الجرائح	م ۵۷۳ ق	کلامی	۲۵ سال
۲	یوسف بن حاتم شامی	الدرالمنظیم	قرن هفتم	مناقب	۲۵ سال
۳	محمد بن حسن حرعاملی	اثبانه الهداه بالنصوص	م ۱۱۰۴ ق	مناقب	۲۵ سال
۴	سیدهاشم بحرانی	حلیه الإبرار	م ۱۱۰۷ ق	مناقب	۲۵ سال
۵	سیدهاشم بحرانی	مدینه المعاجز	م ۱۱۰۷ ق	کلامی	۲۵ سال
۶	نعمت‌الله جزائری	ریاض الأبرار	م ۱۱۱۲ ق	مناقب	۹ ساله

و: تفاوت‌های مناظره: تفاوتی یافت نشد.

نتیجه

در سیرتطور تاریخی مناظره‌های امام جواد علیه السلام، به متن مناظره در منابع متعدد کلامی، تاریخی، روایی، تفسیری و...، نام راویان، سن امام و محل مناظره، ترتیب منابع و تفاوت‌های آن در منابع مختلف پرداخته شد. در جمع‌بندی می‌توان گفت که از میان مناظره‌های نه‌گانه، چهار مورد در سال‌های پایانی سده چهارم قمری گزارش شده که سه مورد درباره مناظره ابن‌اکثم و یک مورد درباره مناظره با عموی امام بود. موضوع سه مورد از این مناظره‌ها، فقهی و یک مورد درباره امامت بوده است. هم‌چنین چهار مورد در سال‌های پایانی سده ششم قمری گزارش شد که موضوع یک مورد مناظره ابن‌اکثم درباره فضایل دروغین خلفا و یک مورد درباره صفات خدا و یک مورد صفات امام زمان علیه السلام و یک مورد هم در زمینه قصد شورش امام و به دست گرفتن خلافت بوده است. تنها یک مورد از مناظره‌ها از اواخر سده یازدهم گزارش شده و موضوع آن هم درباره حکم فقهی بود.

منابع

قرآن کریم.

ابن حمزه طوسی، محمد بن علی (ز ۵۵۶ ق)؛ *الثاقب فی المناقب*، چاپ سوم، قم، نشر انصاریان، ۱۴۱۹ ق.

ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (م قرن چهارم)؛ *تحف العقول عن آل الرسول*، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، نشر جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ ق.

ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی (م ۵۸۸ ق)؛ *مناقب آل ابی طالب*، تصحیح سیدهاشم رسولی محلاتی، قم، نشر مؤسسه علامه، ۱۳۷۹ ش.

بحرانی، سیدهاشم بن سلیمان (م ۱۱۰۷ ق)؛ *حلیه الأبرار فی أحوال محمد وآله الأطهار*، قم، نشر مؤسسه المعارف الإسلامیه، ۱۴۱۱ ق.

_____؛ *البرهان فی تفسیر القرآن*، قم، نشر مؤسسه بعثه، چاپ اول، ۱۳۷۴ ش.

_____؛ *مدینه المعجزات الإئمه الأئسی عشر*، قم، نشر مؤسسه معارف الإسلامیه، چاپ اول، ۱۴۱۳ ق.

بحرانی اصفهانی، عبدالله بن نورالله (م قرن ۱۲ ق)؛ *عوامل العلوم والمعارف والأحوال من الآیات والأخبار والأقوال (مستدرک سیده النساء الی الإمام الجواد علیه السلام)*، تحقیق موحد ابطحی اصفهانی، قم، مؤسسه امام مهدی، ۱۴۱۳ ق.

بستانی، فؤاد افرام (م ۱۹۰۶ م)؛ *فرهنگ اجددی*، تهران، نشر اسلامی، ۱۳۷۵ ش.

تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (م ۵۵۰ ق)؛ *غرر الحکم ودرر الکلم*، چاپ دوم، تحقیق سیدمهدی رجایی، قم، دارالکتاب الإسلامی، ۱۴۱۰ ق.

جزایری، سید نعمت الله (م ۱۱۱۲ ق)؛ *ریاض الأبرار فی مناقب الأئمه الأطهار*، چاپ اول، بیروت، نشر مؤسسه التاريخ العربی، ۱۴۲۷ ق.

حراعلی، محمد بن حسن (م ۱۱۰۴ ق)؛ *اثبایه الهداه بالنصوص والمعجزات*، بیروت، نشر علمی، ۱۴۲۵ ق.

_____؛ *وسائل الشیعه*، قم، نشر مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۹ ق.

_____؛ *هدایه الأمة الی الأحکام الإئمه علیهم السلام*، چاپ اول، مشهد، آستان مقدس

رضوی، ۱۴۱۴ ق.

عاملی نباطی، علی بن محمد بن علی (م ۸۷۷ ق)؛ *الصراط المستقیم الی مستحق*

- التقديم*، چاپ اول، نجف، مکتبه الحیدریه، ۱۳۸۴ ق.
- حسینی زبیدی، محمد مرتضی (م ۱۲۰۵ ق)؛ *تاج العروس من جواهر القاموس*، تحقیق و تصحیح علی هلالی و علی سیری، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ ق.
- دهخدا، علی اکبر (م ۱۳۳۴ ش)؛ *لغت نامه*، چاپ دوم، تهران، نشر دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ ش.
- راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد (م ۵۰۲ ق)؛ *معجم مفردات الفاظ قرآن کریم*، چاپ اول، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۸ ق.
- راوندی، قطب الدین (م ۵۷۳ ق)؛ *الخرائج والخرائج*، چاپ اول، قم، نشر مؤسسه امام مهدی (عج)، ۱۴۰۹ ق.
- شامی، یوسف بن حاتم (م قرن ۷)؛ *الدر المنثور فی مناقب الأئمه الیهامیم*، قم، نشر جامعه مدرسین، ۱۴۲۰ ق.
- شریعتی سبزواری، محمد باقر؛ *مناظره و تبلیغ*، چاپ اول، قم، نشر بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)، ۱۳۸۹ ش.
- طبرسی، احمد بن علی (م ۵۸۸ ق)؛ *الاحتجاج علی أهل اللجاج*، تحقیق محمد باقر خراسان، مشهد، نشر مرتضی، ۱۴۰۳ ق.
- _____؛ *اعلام الوری بأعلام الهدی*، تحقیق مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم، نشر مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۱۷ ق.
- طبری آملی، محمد بن جریر بن رستم (قرن پنجم)؛ *دلائل الإمامه*، قم، نشر بعثت، ۱۴۱۳ ق.
- _____؛ *نوادر المعجزات فی مناقب الأئمة الهداه*، تحقیق باسم محمد اسدی، قم، نشر دلیل ما، چاپ اول، ۱۴۲۷ ق.
- طوسی، خواجه نصیرالدین (م ۶۷۲ ق)؛ *اساس الاقتباس*، تهران، نشر دانشگاه تهران، ۱۳۶۲ ش.
- قرشی، علی اکبر (معاصر)؛ *قاموس قرآن*، تهران، نشر دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۱۲ ق.
- قمی، علی بن ابراهیم (م قرن سوم)؛ *تفسیر قمی*، تحقیق طیب موسوی جزائری، چاپ سوم، قم، دارالکتب، ۱۴۰۴ ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب (م ۳۲۹ ق)؛ *کافی*، تهران، دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ ق.

لیثی واسطی، علی بن محمد (م قرن ششم)؛ *عیون الحکم و المواعظ*، تحقیق حسین حسنی بیرجندی، چاپ اول، قم، دارالحدیث، ۱۳۷۶ ش.

مجلسی، محمدباقر (م ۱۱۱۰ ق)؛ *بحار الأنوار*، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
مسعودی، علی بن حسین (م ۳۴۶ ق)؛ *اثبات الوصیه*، چاپ سوم، قم، نشر انصاریان، ۱۳۸۴ ش.

مصطفوی، حسن (م ۱۴۲۶ ق)؛ *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ ش.

مظفر، محمدرضا (م ۱۳۸۳ ق)؛ *منطق*، ترجمه علی شیروانی، چاپ ششم، قم، دارالعلم، ۱۳۷۶ ش.

مفید، محمد بن محمد (م ۴۱۳ ق)؛ *الإرشاد فی معرفه الله حجج العباد*، تحقیق مؤسسه آل البيت علیه السلام، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.

_____؛ *الأختصاص*، تحقیق علی اکبر غفاری و محمود محرمی زرنندی، چاپ اول، قم، نشر المؤتمر العالمی لألفیه الشیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.